|  |
| --- |
| **باسمه تعالی**  **سی­و­چهارمین کرسی ترویجی با رویکرد عرضه و نقد ایدة علمی**  **با همکاری دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی­های نظریه­پردازی، نقد و مناظره**  **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**  **شرط امکان تاریخ­نگاری اندیشه معاصر ایران**  **ارائه­دهنده:**  **جناب آقای دکتر مزدک رجبی**  **مدیر علمی:**  **جناب آقای دکتر مهدی معین­زاده**  **ناقدین:**   * **سرکار خانم دکتر شهین اعوانی** * **جناب آقای دکتر نعمت­الله فاضلی**   **مدیر اجرایی:**  **سرکار خانم دکتر طاهره ایشانی**    **تاریخ: 07/03/98 ساعت: 15 ـ13 مکان: سالن اندیشه** |
| **دستور جلسه:**   * سخنرانی سرکار خانم دکتر ایشانی، مدیر محترم دفتر کرسی­های نقد، نوآوری و نظریه­پردازی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی * سخنرانی جناب آقای دکتر معین­زاده، مدیر محترم علمی جلسه * سخنرانی جناب آقای دکتر مزدک رجبی، به عنوان ارائه­دهنده * سخنرانی سرکار خانم دکتر شهین اعوانی، به عنوان ناقد * سخنرانی جناب آقای دکتر نعمت­الله فاضلی، به عنوان ناقد |
| * در ابتدا، جلسه با پخش آیاتی از کلام­الله مجید آغاز و سپس با سخنرانی سرکار خانم دکترایشانی، مدیر محترم دفتر کرسی­های نظریه­پردازی، نقد و مناظره علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی   ادامه یافت. ایشان ضمن پرداختن به هدف برگزاری جلسه کرسی ترویجی، به منظور شروع جلسه، از جناب آقای دکتر معین­زاده، مدیر محترم علمی جلسه دعوت نمودند تا دستورات جلسه را عنوان و اعضاء را معرفی نمایند. |
| **سخنرانی** **جناب آقای دکتر مزدک رجبی:** بحث بنده در مورد این است که چرا در صدوپنجاه سال گذشته با فقدان تاریخ اندیشه معاصر ایران مواجه هستیم و این فقدان از کجا آمده است؟ دست کم در مباحث تاریخی ایران به این فقدان تئوریک روش اشاره شده است و در مکتب­های مختلف با چهره­های شاخصی که در این مکاتب وجود دارد تماماً به بحث روش تاریخ پرداخته­اند که آیا حقیقت عینی بیرونی و تاریخ­نگار سروکار دارند در ایران آقای دکتر محمدعلی اکبری یک نگاه ویژه­ای به بحث روش­شناسی تاریخ داشته­اند و چیزی که مورد توجه بوده و مدنظر بنده هست تاریخ اندیشه به معنای خاص هست. بنده دو طرز تلقی و دو نگاه را نسبت به تاریخ اندیشه معاصر ایران را مشاهده کردم در طی سالهای اخیر که نگاه تاریخی دارند در ایران: دسته اول در میان متفکران معاصر ما که عموماً اهل فلسفه بودند کسانی بودند که فکر تاریخ­نگر و نگاه تاریخی داشتند اما آغاز پرداختن آنها به تاریخ اندیشه معاصر ایران از نقد تجدد بوده است دست کم دو چهره شاخص را در این طبقه جای می دهم که اولی فروید و دومی آقای دکتر داوری بود. فروید کسی است که تاریخ اندیشه ایران را به واسطه نقد غرب و نقد تجدد نگاه می کند چهره دوم آقای دکتر داوری از نظر آثار و آراء از آنتولوژی غرب و تجدد آغاز شده و همواره تاریخ اندیشه ایران معاصر را از این زاویه نگاه کرده­اند. بنده یک چهره سومی را هم در این دسته قرار می­دهم آقای دکتر سیدجواد طباطبایی که به نظر بنده در آثار مختلفشان قائل به نوعی پدیدارشناسی تاریخی اندیشه معاصر ایران هست ولی بیشتر وجه تاریخ اندیشه سیاسی تاریخی مدنظر ایشان است ولی باز ایشان را در این دسته جای داده­ام به دلیل اینکه هر سه نفر این اساتید به این موضوع قائل هستند که هنوز در ایران چیزی به عنوان تجدد اتفاق نیفتاده است و چیزی که اتفاق افتاده است تجددزدگی است. یعنی مفاهیم از این سرزمین و خاستگاه غرب آمده و اینجا اشکال دیگری به خود گرفته است و در ایران چیزی که در یکی دو سده اخیر اتفاق افتاده است وضعیت تجددمآبی است بنده نظرات این سه بزرگوار را در دسته اول قرار دادم یعنی نگاهی که تاریخ­نگر هست متوجه ضرورت پرداختن به تاریخ اندیشه معاصر ایران هست اما چگونه از ایران سخن می گوید از ایران سخن می گوید که گویی در آن هنوز تجدد رخ نداده است. غرب­زدگی مضاعف، توسعه­نیافتگی، تجددمآبی، و امتناع نظریه یا اندیشه سیاسی تعابیر گوناگونی هستند که به نظر بنده مبین وضعیتی است که هنوز تحقق پیدا نکردة وضعیت ایران است. دسته دوم که به نظر بنده یک چهره شاخص بیشتر ندارد کسانی هستند که معتقدند تجدد در ایران رخ داده است و با تجدد ایرانی مواجه هستیم و مهمترین شخص در این حوزه آقای محمد توکلی می­باشند و تنها چیزی که مهم است موضع ایشان در باب تجدد و نسبتشان با ایران هست به خلاف آن سه بزرگواری که بنده در دسته اول جای دادم آقای توکل از موضعی صحبت می­کنند که تجدد را در ایران امری تحقق­یافته می­داند و این تجدد ویژه­ای است که تجدد ایرانی نام دارد و این از کجا ناشی می­شود؟ یک مفهومی دارد که از آن به عنوان آزمایشگاه مدرنیته نام می­برد اما اساس این نگاه پدیدة ویژة اروپایی نیست و تجدد زا از بنیان و اساس یک عقلانیت غربی نمی­بینند و تجدد را اینگونه تعریف می­کند که تجدد آئینه­وار در بازتاب میان­فرهنگی اتفاق می­افتد یعنی اروپا خود را در آئینه آسیا و آفریقا و بالعکس خود را پیدا کرده­اند و به این ترتیب ما یک تجدد اروپایی داریم یک تجدد ایرانی داریم ایشان بر اساس این نگاه کلی تاریخ مفاهیم را بررسی نمی­کند تاریخ ذهنیت ایرانی معاصر تاریخ فرهنگی را مدنظر قرار می­دهد و آنچه که در ادبیات سیاسی و یا زیباشناسی، شعری و داستانی و حوزه­های گوناگون فرهنگی را بررسی می­کند برای این است که نشان دهد تجدد ایرانی چیست؟ و ایشان برای اینکار از تحلیل گفتمان استفاده می­کند که تمام اینها در یک وضعیت تجدد ایرانی اتفاق می­افتد و نه در یک وضعیت تجددمآبی، توسعه­نیافتگی و دستة دوم که قائل به چیزی مستقل به عنوان تاریخ اندیشه نیست یعنی ما اگر قرار است تاریخ ایران معاصر را در بنیان­های نظری بفهمیم باید به سراغ تاریخ اندیشه و تاریخ مفاهیم برویم خیر باید به سراغ گفتمان­های مختلفی که در حوزه­های مختلف تاریخ شکل گرفته است برویم به سراغ اقتصاد، سیاست، ادبیات و... تا بفهمیم فهم و تبیین از ایران معاصر داشته باشیم این دسته مقابل دسته اول که قائل به چیزی به عنوان تاریخ مفاهیم نیست و این دسته را بنده در مقابل دستة اول قرار می­دهم تا بتوانم صورت­بندهی خود را ارائه دهم. دسته اول که سه بزرگواری که نام بردم به نظر بنده شرط امکان تاریخ­نگاری اندیشه معاصر ایران بدون اینکه لزوماً مثل آقای طباطبایی بخواهیم تاریخ مفاهیم هگلی نگاه کنیم ولی اساس و بنیان آن بر گونة فلسفة تاریخ استوار است که هنوز اتفاق نیفتاده است ولی اگر بپذیریم که به نوعی تاریخ­نگاری مفهومی قائل باشیم که ما نمی­توانیم از دستگاه مفاهیم و مقولات شرق­شناسی نسبت به تاریخ شرق­شناسی نسبت به تاریخ شرق­شناسی اندیشه سیاسی معاصر ایران بیرون بیائیم و مادامی که مجهز نیستیم به گزینه فلسفة تاریخ بنابراین نمی­توانیم از دستگاه مفاهیم و مقولات شرق­شناسی بیرون بیائیم و اساساً چون به گونة روش­شناسی تاریخ نگاه نکردیم از باستان تا امزوز نمی­توانیم از تاریخ­نگاری معاصر نیز سخن بگوئیم. |
| **سخنرانی** **سرکار خانم دکتر شهین اعوانی:** چرا ما در تاریخ اندیشه ایران می­گوییم تجدد، چرا می­گوئیم از غرب؟ اصلی­ترین نکته­ای که در فرهنگ غرب وجود دارد از کانت هست که از دکارت شروع شده و به کانت رسیده است. کانت تجدد را بلوغ عقلی انسان می­داند و می­گوید انسانها تا به حال پیرو دین مسیحیت بوده­اند ولی الآن بالغ شده­اند تا به حال می­دیدید که کلیسا چه می­گوید ولی الآن به این بلوغ رسیدید که باور کنید که خودتان چه می­اندیشید و دورة تقلید تمام شد و دورة استقلال فکری رسید. آیا ما فقط تجدد را در این قسمت می­خواهیم پس از نظر غرب یعنی هنوز به بلوغ نرسیده­ایم پس شما در هیچ کجای کارتان به دین اشاره­ای نکردید و مبانی دینی ایران را نیاوردید و روشنگری ما در ایران نباید پاسخ به غرب و پیروی باشد. و آیا نهضت فکری در تاریخ ایران شروع شده یا خیر؟ ایران در طول تاریخ فلسفة اسلامی اشخاص زیادی بوده اند که تحولات زیادی ایجاد کرده­اند مانند خواجه­نصیر. البته بنده معتقدم که ما اتفاقاً در صد سال اخیر ما پیشرفتی نداشتیم بلکه عقب­گرد نیز داشته­ایم. در بین چهره­هایی که مشخص کردید عقل در تاریخ هگل را ندیدید ما در آن اثر متوجه شدیم که واقعاً عقل چیست؟ در جایی که فرمودید ما فقدان جامعه­شناسی تاریخ و فلسفة تاریخ داریم بحثی نیست و شما به عنوان مبدع مبانی خود را روشن کنید که چه می­خواهید؟ روش شما در این طرح­تان چه هست؟ مقصود و مقصدتان کجاست؟ تاریخی که به تاریخ اندیشه می­پردازد واقعاً صد سال اخیر هست؟ شما در مورد نظریة انحطاط که مطرح کردید باز هم غربی است. نظام فکری و روش شما چیست؟ آیا تاریخ اندیشه می­تواند رو به زوال باشد؟ ما می­توانیم قضاوت کنیم که تاریخ اندیشة ما رو به زوال رفته است به نظر بنده این کار میان­رشته­ای است و ضرورت آنرا نمی­شود انکار کرد. |
| **سخنرانی جناب آقای دکتر رجبی:** در مورد اینکه فرمودید روشنگری ما چیست؟ باید بگویم مسئله اصلی ما این بود که تاریخ­نگاری اندیشه معاصر ایران را نداشتیم و ما آن را بررسی کردیم. بعضی­ها کمیت و کثرت آثار را نگاه می­کنند ما وقتی به آغازهای مواجهة ما با جهان جدید و اگر شکست ایران از روسیه را یک نقطة عطف بپنداریم و به این مسئله اعتبار کنیم و پیدایش اولین نسلی که به عنوان منورالفکران می­شناسیم اگر این مسائل را به عنوان نقطة آغاز در نظر بگیریم در همین چند دهة اخیر می­بینیم که آثار تک­نگاری فراوانی داریم مانند زندگینامه، تأثیر و تأثر و... ولی هیچکدام در باب تاریخ­نگاری اندیشه معاصر ایران نیستند پس این سؤال وجهی دارد. ما چیزی به عنوان تاریخ­نگاری اندیشه ایران نداریم بنابراین نمی­توانیم از تاریخ اندیشه به عنوان دیسیپلین و یک نگاه منسجم نگاه و سخن بگوئیم چه رسد به روش. در مورد اینکه شما فرمودید نسبت عقل و دین در تاریخ معاصر ما چه می­شود؟ در باب نسبت این دو آثار فرواوانی در مورد نسبت عقل و دین وجود دارد که حتماً در باب آراء و اقوال گذشتگان وجود دارد ما از نقطة تاریخی شروع کردیم که مواجهة ما با جهان جدید بوده اما برخی ممکن است به این معتقد باشند که یک تجدد بومی رخ داده است. در مورد شرق­شناسی باید بگویم که بنده مدافع شرق­شناسی نبودم اتفاقاً جای نقد شکل­گیری علوم اجتماعی و انسانی ایران در اینجا نیست ولی اساساً چون برای علوم اجتماعی و انسانی ما آرمانهای خدشه­ناپذیر و مقدسی هستند بر این معتقدیم که ما هنوز شرایط بیرون آمدن از مباحث شرق­شناسی را نداریم. در مورد عقل در تاریخ، برداشت بنده این بود که سؤال نیست ولی در آگاهی غربی با هگل هست که عقل در تاریخ قرار می­گیرد و نکتة دیگری که فرمودید تاریخ­نگاری غربی توسط خود اذعان شده، بله ولی تلقی آدمیت از تحلیل انتقادی این است که بر اساس یک حکمت تاریخی است. در مورد نظریة انحطاط بنده این را از قول آقای طباطبایی طرح کردم و موضع ایشان این است که چون در ایران باید نهایتاً تجدد اتفاق بیفتد و هنوز اتفاق نیفتاده است ما در یک وضعیت امتناع، انحطاط و یا هر تعبیری که ایشان بکار می­برند، بنده نخواستم از ایشان دفاع کنم بلکه می­خواستم آن را در دستة اول قرار دهم علی­رغم تفاوتهایی که با بقیه دارند. در مورد اینکه موضع خود بنده چیست؟ باید بگویم مهمترین بحث روش است. در این مورد انتقال افکار و تکنولوژی امکان­پذیر نیست. موضع بنده هنوز خام هست ولی آنچه که خود بنده فکر می­کنیم این است که گونه­ای پدیدارشناسی هرمنوتیک هست برای بررسی تاریخ اندیشة معاصر ایران. به این معنا که عقل در تاریخ قرار بگیرد و هر گونه تاریخ اندیشة معاصر ایارن به گونه­ای با مفاهیم و تاریخ مفاهیم سروکار داریم و پیدا کردن رگه­ها و لایه­های معنایی تاریخ ما در یک دو سدة اخیر اگر از آن بتوان به عنوان روش نام برد هنوز مردد هستیم و اینکه فکر کنیم که روش را از یک منظومة آگاهی اخذ کنیم و بکار بگیریم بسیار نگاه خام و سطحی است و در آخر این که بنده بی­تأمل نیستم ولی اجازه دهید که اسم آنرا موضع نگذاریم. |
| **سخنرانی جناب آقای دکتر فاضلی:** بنده فکر می­کنم که اگر کسی بتواند نگاه جامع به تاریخ اندیشه ایران را ابداع کند و از آن نگاه جامع تاریخ اندیشة ایران را بنویسد، نه تنها ضروری است بلکه حیاتی نیز هست. در مورد اینکه فرمودید رویکرد تاریخ اندیشه معاصر ایران با محوریت مسئلة روش یعنی چه؟ در اینجا نقد به چه معناست و چه چیزی را می­خواهید نقد کنید؟ فقدان رویکرد را می­خواهید نقد کنید یا کسانی که این ادعا را دارند؟ و اینکه اگر به جای نقد می­گفتید تحلیل یا مطالعه چه فرقی می­کرد؟به نظر بندهشما باید اول ادعای خود را مطرح می­کردید و بعد ادعاهای دیگران را نیز مطرح می­کردید تا بدانیم دیگران چه می­گویند؟ و چه نظری دارند و ادعاهای رقیبان را به چالش می­کشیدم. آیا واقعاً کاری در جهت تاریخ اندیشة معاصر ایران صورت نگرفته است و رویکردی در این زمینه وجود ندارد؟ بنده فکر می­کنم که اینگونه نیست. شما چه چیزی را اندیشه می­دانید؟ شما معتقدید تنها کسی که نگاه جامعی از تاریخ اندیشه ایران ارائه کرده است آقای طباطبایی هست چرا که رشتة او در این حوزه می­باشد ولی شما خودتات چه فکر می­کنید؟ دیدگاه خود شما دربارة تاریخ اندیشة ایران چیست؟ |
| **سخنرانی جناب آقای دکتر رجبی:** بنده باید به موضع رقبا بپردازم و صرفاً دفاع بنده از آقای طباطبایی به دلیل مطرح نمودن نظرات ایشان در غالب موضوع بوده است. سؤالی که فرموید اندیشة ما از کجا آمده است؟ به نظر بنده کتاب آقای طباطبایی به لحاظ روش­شناسی یک کتاب مرجع است. ایشان کاملاً به ما نشان می­دهند که سوژة ایرانی چگونه شکل گرفته است و ایشان دقیقاً در جزئیات مفاهیم گوناگون را به ما نشان داده است و می­خواهد بگوید مفاهیم برآمده از فرهنگ هستند و دعوای نظری در اختلاق نظر بین گروه­هاست. |
| در پایان جناب آقای دکترمعین­زاده فرصتی در اختیار همکاران قرار دادند تا پرسش­های خود را مطرح نمایند تا به پرسش­های آنان پاسخ داده شود. از جمله سؤالاتی که همکاران مطرح نمودند به شرح ذیل می­باشد:  آیا ما در ایران متفکری داریم یا خیر؟ آیا انقلاب فکری و اندیشه در ایران رخ داده است یا خیر؟  جناب آقای دکتر معین­زاده، اینگونه پاسخ دادند که آیا همین نشان دادن اینکه ما در جایگاه خود نیستیم و نگاه تاریخی و فلسفه تاریخ نداریم، خود یک اندیشه نیست؟ و اندیشه­ای که از نداشتن سخن بگوید یک اندیشه نیست؟ |
| **سخنرانی جناب آقای دکتر رجبی:** چیزی که بنده غالب می­بینم و فکر می­کنم این است که ما به راحتی ترجمه­ای فکر می­کنیم و گمان می­کنیم که داریم فکر می­کنیم یعنی مفاهیم و مقولات ما برآمده از علوم اجتماعی که بر ساختة این فرهنگ باشد نیست. |